

که ما خود درد این خون خوردن خاموش می دانیم

یادداشتی بر کنسرت گروه نهفت

امیرعباس ستایشگر

کنسرت گروه موسیقی نهفت به مناسبت بزرگداشت علینقی وزیری در تاریخ‌های ۲۸ و ۲۹ و ۳۰ بهمن ماه ۱۳۸۸ در فرهنگسرای ارسباران به شرح زیر برگزار گردید:

اعضای گروه: جهان‌شاه صارمی (سرپرست، بم‌تار، همخوان)، حسام اینانلو (دستیار سرپرست، قیچک، همخوان)، دانا مالکی، کاوه پوراعتماد، سائینا زامیان و علی فرد (تار)، ماه‌نوش صالحی (سنتور، همخوان)، کوهیار حبیبی (عود)، نازنین غنی‌زاده، نیما حسینیان و مائده دوستی (کمانچه)، ایللی مرغوب‌نیا (تنبک)، احسان شهیدی (آواز)، گیلناز یوسفیان (همخوان)، مینا رحمان‌زاده (همخوان).
شرح برنامه:

الف- آواز دشتی: کاروان (علینقی وزیری)، تکنوازی سنتور، گریه کن (شعر و آهنگ از عارف قزوینی)، تار و آواز، هنگام می (شعر و آهنگ از عارف قزوینی)، سه‌نوازی تار، سنتور و کمانچه، بسته‌ی دام (علینقی وزیری، شعر: حسین گل‌گلاب)، رنگ (علینقی وزیری)

ب - آواز اصفهان: پیش‌درآمد (علی اصغر بهاری)، دونوازی تار، خوشه‌چین (روح‌اله خالقی، شعر: کریم فکور)، دونوازی کمانچه، مارش (علینقی وزیری)، کمانچه، عود و آواز، نادیده رخت (قدیمی)، تکنوازی قیچک، جور فلک (مقدمه از علی اکبر شیدا)، علینقی وزیری، شعر: حسین گل‌گلاب، رنگ (علینقی وزیری)



عکس: زهرا رستگار

شرایط محیطی برایش مناسب بود به اجرایی زیبا، مستحکم و قابل قبول دست پیدا کرد از نکاتی است که در این نوشته به آن می‌پردازیم. در هر گروه موسیقایی سرپرست گروه وظیفه‌ی مهیا کردن شرایط موسیقایی کار را برعهده دارد از جمله کارهایی مثل مکانی برای تمرین، انتخاب رپرتوار اجرایی، انتخاب نوازنده، کوک، خواننده و اما به کارگیری تمام انرژی یک سرپرست گروه در کشور ما صرف مجوزهای قسمت ممیزی وزارت ارشاد، رفت و آمدها برای هماهنگی سالن و صدا، و حتی باید گفت که صرف لیوان آب خواننده‌ی گروه و یا مهیا بودن پیش‌پاافتاده‌ترین امکانات پشت صحنه می‌شود که در آخر هم آنچه می‌خواهی حاصل نمی‌شود. چون با افرادی روبرو هستی که در جایگاه خود قرار ندارند و حکومت رابطه بر ضابطه بر افکارشان مستولی است. حال با تمام این مشکلات با نوجوانانی هم روبرو هستی

اجرای موسیقی یک فرآیند محیطی است و جدا از فضای ذهنی مجری آن، نیازمند مواردی است که همواره در کشور ما مجهول، معیوب و پرحاشیه است. حال و هوای نوازنده در زمان اجرا از مهم‌ترین نکات قابل توجه می‌باشد که با دغدغه‌های غیر موسیقایی ناخودآگاه تخریب می‌شود و آن بازدهی قابل قبول را ارائه نمی‌کند. تجربه‌ی اجرایی نکته‌ی دیگری است که در لحظات پرتلاش و نفس گیر «لحظه» به کمک گروه و نوازندگان آن می‌آید.

وقتی معیارهای استاندارد یک اجرای موسیقی از حد مطلوب خود به خاطر همان شرایط محیطی معیوب فاصله می‌گیرد، تجربه‌ی اجرا به تو می‌آموزد که خود را با شرایط وفق بدهی و نیاز روحی و موسیقایی خود را چگونه با امکانات موجود برآورده کنی، حال اینکه گروه نهفت چگونه با گروه سنی خود که نه تجربه‌ی اجرایی لازم را داشت و نه

که باید آنان را در بخشی ایزوله کنی تا گزند از این ناملایمات به روح لطیف و پرمهرشان نرسد و همواره در محیطی آرام به سازشان مشغول باشند. پس بدیهی‌ست که مشکلات چند برابر می‌شود. لاجرم تمرین‌های طولانی و بی‌وقفه برای تسلط بیشتر گروه به پیش می‌آید و باید به نبرد آن «وقت‌ها» رفت. در کنار تمرین‌های «موسیقایی» باید «رفتار هنری» و «معرفت هنری» را نیز به ایشان یاد بدهی تا با واردشدن به عرصه‌ی موسیقی همواره یاد خوشی هم از دیگران و هم از خود در ذهن‌های یکدیگر یادگار داشته باشند و مشقت این ماجرا را تنها کسانی درک می‌کنند که خود در اجرای موسیقی دستی دارند و پا به این عرصه گذاشته‌اند. بحث این یادداشت بر بررسی کیفیت موسیقایی آنان و آنچه نواخته‌اند نیست، زیرا که آن نوع نگاهی دیگر در حالت نقد را در برمی‌گیرد. بدیهی‌ست روان‌شناختی چنین اجرایی مهم‌تر از نقد موسیقایی آن است. گروه نهفت از گروه‌های پرسابقه‌ی موسیقی است و تا آنجا که یاد داریم یک دهه‌ای هست مشغول فعالیت می‌باشند و این ممارست‌ها و تلاش‌ها وقتی برایت معنا دارد که افراد مختلفی را به جامعه‌ی موسیقایی معرفی کردی که آن‌ها را تحت آموزش ذهنی خود قرار داده‌ای. اما با نگاهی به آینده‌ی موسیقی مان کمی نگرانی، چاشنی ذهن می‌شود. نگران از اینکه، اینان نوجوانانی هستند که با امید و تخیل‌های زیبا وارد عرصه‌ی موسیقی شده‌اند و خانواده‌هایشان با آرزوهایی قشنگ و دست‌یافتنی آنان را روانه‌ی کار هنر کرده‌اند. اگر وضعیت موسیقی ما سالم بود این گروه باید در سالی چند هزار نفره و با حمایت خانه‌ی به اصطلاح موسیقی و یا دفتر موسیقی ارشاد و یا انجمن موسیقی که امروزه فقط اسمش باقی ست و البته ساختمانی، به اجرا می‌پرداخت. این تلاش و چنین اجرایی اگر در هر کجای جهان حتی در نقاطی که اسمشان را هم بلد نیستیم بر پا می‌گشت بیش از این قابل تقدیر و ارائه می‌بود، چراکه آینده‌ی هنر موسیقی به دست همین جوانانی است که وارد عرصه می‌شود که ما از این دست در میان استعدادهایمان کم نداریم، اما نمی‌دانم در جامعه‌ی مغلوبه‌ی مغشوش و پرحسد موسیقی که به دست برخی اساتیدمان به بیراه و تباهی نزدیک است چقدر دوام می‌آورد، نگران‌انسان هستیم.

* از سروده‌های هوشنگ ابتهاج